



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

صص ۱۸۴-۱۶۰

عوامل فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه

دکتر الهه کولایی - استاد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
سیدمهدی نبوی* - پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین (ع) و دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۰

چکیده

ایران و ترکیه دو کشور بازیگر مهم منطقه با این ویژگی هستند که در طول تاریخ، بیشتر کشورهای غرب آسیا جزئی از سرزمین یکی از این دو کشور بوده‌اند. همین موضوع باعث نفوذ فرهنگ این دو کشور در سایر کشورهای منطقه شده است. البته به دلیل شرایط خاص منطقه، بیشتر جنبه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی در روابط دو کشور برجسته شده و سطح روابط فرهنگی دو کشور چندان متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی دو کشور نیست.

این پژوهش با رویکرد آینده‌پژوهی به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که عوامل مهم فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه در افق ده ساله کدامند؟ روش تحقیق این پژوهش آمیخته (کمی-کیفی) است. در این پژوهش متغیرهای فرهنگی مؤثر بر روابط دو کشور بررسی شده و با توزیع پرسشنامه میان ۳۵ نفر از خبرگان روابط ایران و ترکیه و استفاده از روش تحلیل آی پی ای (IPA) عواملی که اهمیت و عدم قطعیت آن‌ها بالاتر از ارزش آستانه بود مشخص شد. در نهایت پنج عامل پیوندهای قومی میان ایران و ترکیه، پان‌ترکیسم و احتمال حمایت ترکیه از جریان‌های پان‌ترکی در ایران، رقابت برای نفوذ نرم در غرب آسیا و نیز رقابت برای نفوذ نرم در آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین ارتباط ایران با شیعیان و حامیان انقلاب اسلامی در ترکیه به‌عنوان عوامل مهم فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه مشخص گردید.

کلید واژگان: ایران، ترکیه، آینده‌پژوهی، روابط فرهنگی.

۱. مقدمه

ایران و ترکیه هر دو از مهم‌ترین بازیگران غرب آسیا هستند. تعاملات این دو بازیگر به گونه‌ای است که گاه حتی تحولات منطقه از نوع روابط این دو کشور تأثیرپذیر است. نگاهی اجمالی به گذشته روابط ایران و ترکیه نشان می‌دهد که با وجود اهمیت راهبردی روابط دو کشور، چگونگی این روابط تحت تأثیر عوامل مختلف، حالتی سینوسی داشته و پر فراز و نشیب بوده است. ویژگی مهم ایران و ترکیه این است که در طول تاریخ، بیشتر کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا جزئی از سرزمین یکی از این کشور (امپراتوری ایران و امپراتوری عثمانی) بوده‌اند. همین موضوع سبب نفوذ فرهنگ این دو کشور در سایر کشورهای منطقه شده است. تبادل فرهنگی میان دو کشور نیز در گذشته قابل توجه بوده است. این مسئله را می‌توان در علاقه بزرگان و اندیشمندان ترکیه به زبان فارسی و علاقه ایرانی‌ها به آثار فرهنگی ترکیه دید. دلیل این موضوع را می‌توان در پیوندهای فرهنگی دو کشور جستجو کرد. وجود اسلام به‌عنوان دین مشترک، در کنار آداب و رسوم مشابه، میراث فرهنگی مشترک، قومیت مشترک در دو کشور از پیوندهای فرهنگی دو کشور هستند.

در مورد روابط ایران و ترکیه باید به این مهم توجه کرد که اگرچه دو کشور به دلیل ظرفیت‌های مختلف ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری، در بسیاری از عرصه‌ها، وضعیت هم‌تکمیلی دارند، اما رقابت‌های سیاسی و گاه تضاد و تقابل منافع، سبب شده است تا نتوانند آن‌چنان‌که باید و شاید از ظرفیت همسایگی استفاده کنند. به‌ویژه این‌که سطح روابط فرهنگی دو کشور چندان متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی دو کشور نیست. در حالی که عرصه فرهنگ به دلیل ماهیت کم‌تنش خود می‌تواند نقش مهمی در نزدیک کردن نخبگان و مردم دو کشور به یکدیگر و استفاده از ظرفیت‌های دو طرف در حال و آینده داشته باشد. نکته مهم در این زمینه، توجه ویژه و شناسایی به عوامل فرهنگی مؤثر در آینده‌ی روابط دو کشور و برنامه‌ریزی برای استفاده حداکثری از آن در مسیر تأمین منافع ملی است.

۲. بیان مسئله

در سال‌های اخیر، نگاه علمی به آینده و تلاش برای داشتن تصویری علمی از آینده برای طرح‌ریزی استراتژی مناسب با تحولات آینده جای خود را در محافل علمی باز کرده و آینده‌پژوهی را به‌عنوان یک روش پذیرفته‌شده وارد مطالعات علمی کرده است. آینده‌پژوهی این کمک را به عرصه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر می‌کند تا با داشتن تصویری از عوامل مؤثر بر آینده و آینده‌های محتمل، آمادگی برای روبرو شدن با سناریوهای مختلف را داشته و از هزینه تصمیم‌های اشتباه بکاهند. در مورد روابط ایران و ترکیه، به دلیل شرایط خاص منطقه، بیشتر جنبه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی بر روابط دو کشور برجسته شده و به آن‌ها پرداخته شده است. به نظر می‌رسد روابط فرهنگی مغفول مانده است. با توجه به اهمیت عرصه فرهنگ و وجود ظرفیت‌های عظیم فرهنگی در دو کشور، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که کدام عوامل فرهنگی بر آینده‌ی روابط ایران و ترکیه در افق ۱۰ سال آینده تأثیرگذارند؟ با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش، این تحقیق بدون فرضیه است.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر سرشت از نوع اکتشافی، از نظر هدف کاربردی، از منظر داده‌های آن آمیخته و در عین حال از منظر تجزیه و تحلیل داده‌ها همبستگی است. در این پژوهش ابتدا متغیرهای فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه شناسایی شده، سپس بر اساس نظرهای خبرگان، عوامل و موضوع‌هایی که بر روابط ایران و ترکیه اثرگذار هستند، مشخص می‌شود. متغیرهایی که اثرگذاری آن‌ها توسط خبرگان تأیید گردد به‌عنوان عوامل فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه خواهد بود. هم‌چنین این پژوهش عوامل را از نظر اهمیت و نبود قطعیت نیز بررسی خواهد کرد تا عوامل مهم فرهنگی مؤثر بر آینده‌ی روابط ایران و ترکیه مشخص شود. خبرگان موردتوجه این پژوهش در دو دسته افراد اجرایی و دانشگاهی قرار می‌گیرند. ویژگی‌های موردنظر خبرگان در این پژوهش عبارت‌اند از:

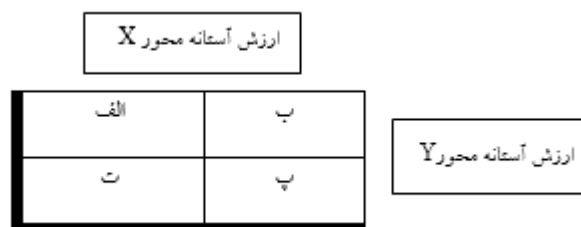
۱. دست‌کم مدرک کارشناسی ارشد داشته باشند.

۲. خبرگان اجرایی که در ۱۰ سال گذشته سابقه خدمت در ترکیه دارند یا در زمینه کارشناسی ترکیه در نهادهای مسئول در داخل کشور هستند.

۳. خبرگان دانشگاهی که تألیف برجسته در حوزه مسائل ترکیه دارند (دست‌کم ۳ مقاله، یا کتاب) داشته باشند.

۴. جهت تکمیل هر چه بهتر جامعه نمونه خبرگان، برای شناسایی خبرگان از روش گلوله برفی تا شناسایی خبرگان پربسامد استفاده خواهد شد.

با توجه به اینکه در این پرسشنامه برای هر متغیر، دو ویژگی هم‌زمان اهمیت و بدون قطعیت وجود دارد و تحلیل جداگانه این ویژگی‌ها وقتی که باید مجموعه داده‌ها هم‌زمان بررسی شوند، ممکن است معنی‌دار نباشد، بنابراین برای تحلیل نتایج پرسشنامه از روش آی پی ای^۱ یا روش تجزیه و تحلیل اهمیت-عملکرد استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اهمیت عملکرد (آی پی ای)، توسط مارتیلا و جیمز ارائه شده است و یک روش کمی برای اندازه‌گیری نظرها در مورد ویژگی‌های خاص یک موضوع یا یک شیء است. در این روش متغیرهایی که باید اندازه‌گیری شوند مشخص می‌شوند و اهمیت و عملکرد هر یک جداگانه اندازه‌گیری می‌شود. اغلب مقیاس پنج یا هفت امتیازی (طیف لیکرت) برای اندازه‌گیری استفاده می‌شود. سپس از میانگین حسابی مجموع نظرها در مورد مجموع متغیرها برای تعیین تمایل مرکزی (ارزش آستانه) استفاده می‌شود. سرانجام موقعیت نسبی هر یک از متغیرها بر روی ماتریس مشخص می‌شود (Martilla and James, 1977). البته در این پژوهش به جای آیت‌م عملکرد، نبود قطعیت جایگزین شده است که در روش خللی ایجاد نمی‌کند.



عواملی که در منطقه (ب) ماتریس قرار گرفته باشند، یعنی اهمیت و نبود قطعیت آن‌ها هم‌زمان از ارزش آستانه اهمیت و نبود قطعیت بیشتر باشد عوامل مهم خواهند بود.

۴. چارچوب نظری

۴-۱. آینده‌پژوهی

تعاریف متعددی از آینده‌پژوهی شده است. در یک تعریف آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای تحقق آن‌ها می‌پردازد (Fateh Rad et al, 2013: 139). علاوه بر امکان ارائه تصویری از آینده، شناخت گذشته و موقعیت حال را باید یکی از اهداف و کارکردهای آینده‌پژوهی دانست. به نظر وندل بل، گرچه آینده‌پژوهی به مطالعه آینده اختصاص دارد، اما گذشته و حال، آینده را متأثر می‌سازند و به همین دلیل، بخش گسترده‌ای از گذشته و حال نیز در دایره توجه آینده‌پژوهان قرار دارد. البته گذشته و حال از واقعیت‌هایی برخوردار هستند که آینده از آن محروم است. از گذشته و حال بر خلاف آینده شواهدی در اختیار داریم و به همین دلیل آینده‌پژوهان در مقام واقع‌گرایان انتقادی می‌توانند آن‌ها را به شیوه‌ای علمی بررسی کنند (Bell, 2013: 530).

آینده‌پژوهان به طور کلی چهار نوع آینده را در نظر می‌گیرند: آینده‌های ممکن، آینده‌های باور کردنی، آینده‌های محتمل و آینده‌های مطلوب. آینده‌های ممکن شامل تمام وضعیت‌های ممکن است که می‌تواند در آینده محقق شود، هرچند ندانیم که این آینده‌ها چگونه محقق می‌شوند. آینده‌های باور کردنی یا باورپذیر، آن دسته از آینده‌هایی هستند که بر اساس دانش

فعلی بشر امکان‌پذیر است. بر خلاف آینده‌های ممکن که می‌توانند حتی متناقض با اصول و دانش فعلی بشری باشند، آینده‌های باور کردنی منطبق با این اصول هستند. آینده‌های محتمل به آن دسته از آینده‌ها اشاره دارد که احتمالاً تحقق می‌یابند. به‌عنوان نمونه ادامه روند فعلی از جمله آینده‌هایی است که احتمالاً اتفاق می‌افتد. آینده‌های مطلوب یا برتر، آینده‌های مطلوب ما هستند (Hajiani, 2012: 203-204). برای تصویرسازی از آینده، یکی مهم‌ترین روش‌ها در آینده‌پژوهی سناریونویسی است. پیتر شوارتز که از مشهورترین چهره‌های سناریونویسی است هشت گام برای این روش برمی‌شمارد: ۱. شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی ۲. شناسایی عوامل و عناصر کلیدی ۳. شناسایی نیروهای مهم محیطی و پیشران‌های تغییرها ۴. تحلیل و طبقه‌بندی نیروهای مهم محیطی براساس دو عامل «اهمیت» و «نبود قطعیت» ۵. منطبق‌دهی به سناریوها ۶. پربار کردن سناریوها ۷. مضامین ۸. انتخاب شاخص‌ها و علائم راهنما (Schwartz, 2007: 211-2007). گام دوم این روش، یعنی شناسایی عوامل و عناصر مهم که مهم‌ترین مرحله در برنامه‌ریزی بر پایه سناریو است، همراه با گام سوم و چهارم، موضوع این مقاله است.

۵. متغیرهای فرهنگی مؤثر بر روابط ایران و ترکیه

۵-۱. پیوندهای قومی

یکی از متغیرهای مؤثر بر روابط فرهنگی ایران و ترکیه پیوندهای قومی است. میلیون‌ها نفر آذری در ایران زندگی می‌کنند که نزدیکی‌های فرهنگی و زبانی با ترک‌های ترکیه دارند. قومیت دیگری که در هر دو کشور وجود دارد کردها هستند. کولایی و همکاران معتقدند وجود قومیت‌ها در ورای مرزهای واحدهای سیاسی یکی از مسائل مهم ژئوپلیتیکی و منبع تنش نهفته‌ای است که در شرایط بحرانی امکان بروز و ظهور آن وجود دارد. مسئله کردی با سابقه مبارزاتی و خواست کردها برای استقلال و تشکیل یک واحد ملی به ویژه در دو کشور عراق و ترکیه امروز موضوعی تنش‌آفرین شده است (Koolae et al, 2016: 24). بنابراین بحث کردها به دلیل نگرانی‌های امنیتی ترکیه، درگیری متمادی ترکیه با پ.ک.ک و وجود اقلیم کردستان در عراق، بیشتر جنبه امنیتی در روابط ایران و ترکیه پیدا کرده است تا جنبه فرهنگی.

۲-۵. اختلاف‌های قومی

متغیر قومیت هم‌چنان که یک متغیر همگرا کننده می‌تواند باشد، می‌تواند یک متغیر واگرا کننده در روابط دو کشور نیز باشد. البته این موضوع در حال حاضر با توجه به مبادلات فرهنگی و رفت و آمدهای میان دو کشور و نیز علاقه به زبان فارسی در ترکیه کم‌رنگ است، اما با توجه به الگوهای دوستی-دشمنی و با توجه اختلاف تاریخی، در شرایط تشدید هویتی، اختلاف هویتی فارس- ترک می‌تواند موجب واگرایی فرهنگی شود.

۳-۵. زبان و ادبیات فارسی

زبان وسیله تفهیم و تفاهم بین افراد و در عین حال در روابط علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها و ملت‌های مختلف ایفاگر نقش اساسی است. در همین راستا رابطه محکم و دیرینه زبان فارسی و زبان ترکی، در طول تاریخ نقش تعیین کننده‌ای در روابط ایران و ترکیه داشته است. ایران و ترکیه، ایرانیان و ترکان، زبان فارسی و زبان ترکی مثل رشته‌هایی است که جبر تاریخ و موقعیت جغرافیایی، آن‌ها را به طور ناگسستنی و قطع نشدنی به هم پیوند زده است (Örs, 2006: 79). آناتولی و مناطق ماوراء آن از قرن‌های دوم و سوم هجری قلمرو گسترده زبان فارسی محسوب می‌شد. افزون بر مردم و نخبگان فرهنگی، بسیاری از شاهان سلجوقی مانند غیاث‌الدین کیخسرو اول و برادرش ناصرالدین در زمره شعرای پارسی زبان بودند. پادشاهان سلجوقی افزون بر این از جمله حامیان شعرای بزرگی چون امیر معزی، نظامی گنجوی، و بسیاری از شعرای دیگر نیز بودند (Ahmadi, 2012: 112). در دوره‌های سلجوقی و عثمانی، فرهنگ، زبان و ادبیات ایران تأثیر بسزایی بر فرهنگ، زبان و ادب ترکی گذاشته است که با وجود تمام دگرگونی‌هایی که از دوره‌های تنظیمات و مشروطیت به بعد، در زبان و ادب و فرهنگ و دستگاه آموزشی ترک انجام شده، آثار آن با وجود کم‌رنگ و بی‌رونق شدن، کمابیش باقی مانده است. با تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳، در ساخت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی ترکیه دگرگونی‌هایی عظیم و انقلابی صورت گرفت. یکی از این تحولات بزرگ و انقلابی، تلاش برای ساده و سره کردن زبان ترکی بود. آتاتورک،

معتقد بود که ترک‌ها فقط با تدریس علوم دینی و عربی و فارسی نمی‌توانند در میان ملت‌های پیشرفته جایگاهی کسب کنند. او گذشته از فراهم آوردن زمینه بسیار مناسب برای گسترش زبان ترکی، حروف لاتین را نیز جایگزین الفبای عربی کرد. با این که در ترکیه و دیگر نقاط جهان اسلام عده‌ای با این فکر او مخالفت کردند، وی از این اقدام منصرف نشد و در سال ۱۹۲۸ در مدت کوتاهی به تغییر الفبا توفیق یافت. پس از آن برای مدت کوتاهی زبان‌های عربی و فارسی از میان درس‌های مدرسه حذف شد، ولی بلافاصله بعد از دهه ۳۰ مسیحی، در دانشگاه‌های نوپای ترکیه، در کنار زبان‌های مختلف جهان (مانند: چینی، هندی، اردو و زبان‌های اروپایی) کرسی‌هایی برای آموزش زبان‌های عربی و فارسی ایجاد شد. مطالعات ایران‌شناسی در ترکیه، به ویژه پس از تأسیس دانشگاه‌های جدید و بزرگ، بیش از پیش سرعت گرفته و در طول ۸۰ سال، در دوره جمهوری با انتشار آثار زیادی در زمینه‌های گوناگونی مانند: زبان، ادب، تاریخ، جغرافیا، عرفان و تصوف، سیاست، علوم دینی و علوم اجتماعی رشد خود را به اثبات رسانده است. استادانی چون: معلم رفعت، محمد فؤاد کوپرولو، احمد آتش، شمس‌الدین گون‌آلتای، عدنان صادق ارزی، عثمان توران، علی نهاد تارلان، ابراهیم قفس اوغلی، فریدون نافذ اوزلوق، آگاه سری لوند، تحسین یازیجی، عبدالباقی گولپینارلی، نوری کنج عثمان، نجاتی لغال، فاروق سومر، اسماعیل حقی، اوزون چارشیلی، حکمت ایل آیدین، آیدین صایلی، ملیحه آنبارجی اوغلی و ... از پیشروان مطالعات ایران‌شناسی در ترکیه هستند. برای نمونه آثاری چون گلستان و بوستان سعدی، تذکره الاولیای عطار یا مثنوی معنوی مولوی از آغاز دوره جمهوری به این طرف بارها ترجمه شده‌اند (Örs, 2006: 80-85).

در واقع زبان فارسی توانسته است نقطه اتصال فرهنگی میان ایران و ترکیه باشد. وضعیت تدریس زبان و ادبیات فارسی، ترجمه آثار فارسی به ترکیه از وضع بسیار مناسبی برخوردار است. در مورد رشته زبان و ادبیات فارسی، در ترکیه بطور کلی در هفت دانشگاه این رشته ارائه می‌شود که پنج دانشگاه در دوره لیسانس، هفت دانشگاه در مقطع فوق لیسانس و چهار دانشگاه در دوره دکتری این رشته را ارائه می‌کنند (Turgut, 2011: 83). در نقطه مقابل، وضعیت مطالعات ترکیه‌شناسی و یا تدریس رشته زبان ترکی استانبولی در دانشگاه‌های ایران مطلوب

نبوده و قابل مقایسه با ترکیه نیست. در مورد تدریس رشته ترکی استانبولی در دانشگاه، در دفترچه انتخاب رشته کنکور سال ۹۸، این رشته تنها در یک دانشگاه (علامه طباطبایی) ارائه می‌شود. در مورد مطالعات ترکیه نیز گروه‌ها و میزهایی در مراکزی مانند مرکز مطالعات خاورمیانه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و مراکز دیگر وجود دارند، اما هیچ مرکز مستقل ترکیه‌شناسی وجود ندارد و میزها و گروه‌های موجود نیز ضعیف هستند.

۴-۵. دین و مذهب

یکی از مسائل دیگر مؤثر در روابط ایران و ترکیه مسئله اسلام به‌عنوان دین مشترک و مذاهب شیعه و سنی به‌عنوان دو قطب مذهبی در دنیای اسلام است. در واقع مسئله دین در روابط دو کشور هم‌همگرا کننده است و هم‌واگرا کننده. در این بخش نگاهی به موضوع دین و مذهب در روابط دو کشور خواهیم داشت.

۱-۴-۵. اسلام به‌عنوان دین مشترک

ایران و ترکیه هر دو کشورهایی با اکثریت مسلمان هستند. اعتقاد به خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب آسمانی واحد و اعمال و تکالیف اسلامی مانند نماز و روزه و ... سبب شده است تا اسلام و مسلمان بودن به‌عنوان یک نقطه‌ی همگرا کننده در روابط ایران و ترکیه عمل کند. مسائل مربوط به جهان اسلام مانند مسئله فلسطین نیز در همین چارچوب همگرا کننده است. نکته دیگر در مورد اسلام‌گرایی که ایران و ترکیه را به یکدیگر نزدیک می‌کند، پذیرش این نکته است که افراط‌گرایی اسلامی برای هر دو کشور چالش محسوب می‌شود و همکاری و هم‌فکری برای رویارویی با این افراط‌گرایی را از هر دو طرف می‌طلبد (Ahmadi, 2012: 195).

۲-۴-۵. رقابت مذهبی شیعه و سنی

اگرچه هر دو کشور ایران و ترکیه مسلمان هستند، اما اکثریت جمعیت ایران شیعه و اکثریت جمعیت ترکیه سنی هستند. نکته مهم تاریخی در این میان این است که ایران صفوی، به‌عنوان قطب شیعه و امپراطوری عثمانی به‌عنوان قطب سنی در جهان اسلام، سابقه سال‌ها تقابل مذهبی را داشته‌اند. بنابراین تقابل شیعه و سنی یکی از عوامل واگرا در روابط دو کشور است؛ اگر چه در سال‌های اخیر در روابط دو جانبه تلاش می‌شود تا نمود آشکاری از شکاف مذهبی

برجسته نشود اما ترکیه نگران نفوذ ایران بر شیعیان و علویان است. از سوی دیگر رقابت شیعه-سنی تأثیر خود را در حوزه نفوذ دو کشور نیز می‌گذارد.

ایران در جوامع اسلامی در منطقه و ترکیه نیز بر گروه‌های سنی و به‌ویژه اخوانی نفوذ دارد. در واقع اگر چه ترکیه و ایران به‌ضرورت آگاهانه سیاست خارجی خود را بر اساس دین خود شکل نداده‌اند، این واقعیت که گروه‌هایی در خاورمیانه که در کشورهای مختلف پراکنده‌اند، ویژگی‌های خود را بر اساس دین، قومیت یا فرهنگ متمایز کرده‌اند، به معنای این است که در روند رخدادهای مختلف، منطقه به جناح‌های مختلف بر اساس این گرایش‌ها تقسیم شده است (Charounatki, 2018: 231).

۳-۴-۵. آداب و رسوم مشترک فرهنگی

از جمله عوامل همگراکننده در روابط فرهنگی ایران و ترکیه، آداب و رسوم مشترک میان دو کشور با توجه به پیوندها و مبادلات تمدنی است. نزدیکی در آداب و رسوم نوروز، آداب و رسوم ازدواج، عزا، فرهنگ میهمان‌نوازی، فرهنگ غذایی، موسیقی و هنر، اعیاد اسلامی مانند قربان و فطر و سبب نزدیکی فرهنگی و دینی میان دو کشور است.

۴-۴-۵. ارتباطات و مبادلات فرهنگی و هنری

گذشته از شباهت‌ها و نزدیکی‌های کلی میان جلوه‌های گوناگون هنری ایران و ترکیه، تنوع‌های خاص ملی در کشور و زمینه‌های مورد نظر می‌تواند جذابیت خاصی برای آشنایی متقابل با این میراث که زمینه‌ساز همکاری و دوستی آن‌هاست ایجاد کند. این علاقه متقابل به آشنایی با فرهنگ و هنر دو کشور از دیرباز وجود داشته و همکاری گوناگون هنری به ویژه در زمینه موسیقی و سینما در گذشته برای نزدیکی میان مردمان و جامعه و ایجاد حس برخورداری از پیوندهای کلی مؤثر بوده است (Ahmadi, 2012: 145).

البته در این زمینه باید به یک نکته توجه کرد و آن هم این است که فضا برای عرضه فرهنگ ایرانی در ترکیه بازتر از فضا برای فعالیت فرهنگی ترکیه در ایران است. بطور نمونه هفته فیلم یا موسیقی یا کتاب ایران به راحتی در ترکیه اجرا می‌شود و با استقبال همه مواجه می‌شود اما

در طرف مقابل، نمایش فیلم و موسیقی و یا ترجمه کتاب های ترکی در ایران به دلیل ملاحظات مختلف یا انجام نمی شود یا با فرآیند طولانی اداری مواجه می شود.

۵-۴-۵. پان ترکیسم و احتمال حمایت ترکیه از جریان های تجزیه طلب در ایران

یکی از نگرانی های ایران در خصوص روابط با ترکیه مسئله پان ترکیسم و احتمال حمایت ترکیه از جریان های تجزیه طلب پان ترکی در داخل ایران است. به نظر صدر محمدی، ترکیه در دوره ای که جناح ترک گرا در سیستم ترکیه حضور قوی داشت نسبت به ترک های ایران سرمایه گذاری می کرد و سعی می کرد که از این جریان ها حمایت کند. الان نیز هم چنان بخشی از آن حمایت ها وجود دارد. اما مسئله اینجاست که آیا این حمایت ها به عنوان یک سیاست ترکیه برای به دست آوردن اهرم فشار علیه ایران محسوب می شود یا نه؟ به نظر می رسد ترکیه دوست ندارد که ایران را در این مسئله نسبت به خودش حساس کند. حتی اگر چنین سیاستی هم وجود داشته باشد، سیاست اولویت دار نیست. چون ترکیه بر اساس عمل گرایی که بر اندیشه ی سیاسی این کشور حاکم است متوجه شده که همکاری با ترک های ایران می تواند تهران را نسبت به آنکارا حساس کند. البته به این واقعیت هم باید توجه کرد که اگر چه حمایت از ترک های ایران در حالت عادی برای ترکیه اولویت ندارد ولی این طور نیست که به این برگ بازی توجه نکند. به طور طبیعی بر ترک های ایران توجه می کند، مطالعه می کند، اما اینکه سیاست میدانی داشته باشد یا اقدامی میدانی انجام بدهد، به نظر می رسد الان جزء سیاست های ترکیه نیست. چون حکومت ترکیه نمی خواهد که ایران را در این مسئله نسبت به خود حساس بکند و یا ایجاد سوء تفاهم و مشکلی در روابط دو کشور رخ بدهد (Sadrmohammadi, 2019). به نظر می رسد اگر چه ترکیه داعیه حمایت از ترک های جهان را دارد و به ویژه پس از فروپاشی شوروی به دنبال نفوذ با استفاده از اهرم قومیت و زبان در کشورهای نواستقلال بوده و در دوره هایی هم حمایت هایی از جریان های پان ترک در ایران کرده است و گرچه هنوز هم احزاب ملی گرای رادیکالی مانند حزب حرکت ملی آشکارا دیدارهایی را با برخی عناصر تجزیه طلب دارند، اما سیاست کلان ترکیه در حال حاضر حمایت از این جریان ها در ایران نیست. اگر هم در گذشته بوده در حال حاضر کم رنگ است.

به این دلیل که علاوه بر تأثیر منفی در روابط دو کشور، ترکیه خود متشکل از دو قومیت ترک و کرد است که واگرایی قوم کرد با جمعیت حدود بیست میلیونی از دولت مرکزی بالاست. ترکیه می‌داند اگر موزائیک قومی در ایران شکسته شود، اولین جایی که تجزیه خواهد شد ترکیه خواهد بود.

۵-۵. ارتباط ایران و علویان ترکیه

یکی از اقلیت‌های مهم در ترکیه، علویان ترکیه هستند. علویان به دلایل سیاسی و مذهبی از جمله زمینه‌هایی در جامعه ترکیه هستند که فرصت عمق بخشی و نفوذ نرم ایران در ترکیه وجود دارد. بحران سوریه و شیوه موضع‌گیری دولت ترکیه و تلاش برای نابودی تنها حکومت علوی در جهان و حمایت و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از بشاراسد، سبب شد تا ذهنیت علویان ترکیه نسبت به ج.ا.ایران رویه مثبت به خود گرفته و بستر مناسبی جهت برقراری روابط و تعاملات و افزایش همگرایی با ایران را فراهم کند. از جمله فرصت‌های ایران برای عمق بخشی در علویان ترکیه، پیوندهای مذهبی و ریشه‌های اعتقادی علویان در فقه جعفری و عشق و علاقه به ائمه اطهار(ع)، وجود سابقه تاریخی ج.ا.ایران و محتوای فرهنگی در مناطق خاصی از ایران مانند اردبیل بواسطه خانقاه اردبیل و فوشنجان خراسان که زادگاه حاج بکتاش ولی است و نیز وجود پیوندهای تاریخی و فرهنگی علویان و ارادت آنان به صفویان بویژه شاه اسماعیل و شیخ صفی است. البته هر چند در نگاه اول، علویان به سبب مسلمان بودن و دوستی با اهل بیت پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) با زمینه‌های مشترک زیاد با تشیع ایرانی به نظر می‌رسند، ولی واقعیت این است که برخلاف این نگاه عمومی و اولیه، علویان ترکیه در زندگی شخصی و اجتماعی شان تفاوت‌های دینی - مذهبی با شیعیان دارند. این تفاوت‌ها با آیین‌ها و رسوم مذهبی ایرانی بیشتر است (Maghsoudi, 2019: 186-187).

علویان مناصب زیادی در حاکمیت ترکیه دارند. اما مسئله مهمی که وجود دارد این است که ترکیه در موضوع علوی‌ها کاملاً حساس است و آن را مسئله امنیت ملی خود می‌بیند. بنابراین ارتباط ایران با علویان ترکیه برای ایران پرریسک بوده و ممکن است هزینه‌ساز باشد. چند عامل برای هزینه‌ساز بودن ارتباط با علویان برای ایران وجود دارد. نخست، بدنه مردمی

علوی‌ها به احتمال زیاد با ایران همقدم نخواهند شد. دوم آن که مسئله علوی‌ها سبب حساسیت جناح سنی خواهد شد و خطر ایران را باوجود اینکه برای ایران آورده‌ای ندارد اما در چشم ترک‌ها دوچندان خواهد کرد. سوم آن که با توجه به اینکه علوی‌ها در سیستم امنیتی ترکیه از حضور قابل توجهی برخوردار هستند، آن سیستم امنیتی به جناح علوی سیستم حساس خواهد شد و نسبت به ایران رویکرد منفی خواهد گرفت. یعنی در واقع هر اقدام ایران در مورد علوی‌ها، همراهی و ائتلاف و اتفاق اسلام‌گرا-لائیک ترکیه علیه ایران را به همراه خواهد داشت (Sadrmohammadi, 2019).

۶-۵. ارتباط ایران با شیعیان و حامیان انقلاب اسلامی ایران در ترکیه

از دیگر حساسیت‌هایی که ترکیه در برابر ایران دارد، ارتباط ایران با شیعیان ترکیه است. شیعیان از جمله اقلیت‌های مذهبی در ترکیه هستند. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تنها عامل مهم ارتباط معنوی شیعیان ترکیه با ایران، نهاد مرجعیت بود و مؤمنان ترکیه کم و بیش با نجف و قم ارتباط داشتند، ولی پس از پیروزی انقلاب، تغییرهای عمده‌ای در این ارتباط به از نظر کمی و کیفی روی داد. کانون این تحول را می‌توان در پدید آمدن این احساس در میان شیعیان، که باید با بازخوانی عقاید خود، سروسامانی به وضعیت خویش بدهند، دانست. ترکیه برای تخریب و تضعیف جایگاه علمای شیعه در ترکیه، آن‌ها را به رابطه با جمهوری اسلامی و حقوق گرفتن از این کشور متهم می‌کند. این امر همواره موجب اعتراض علما و بزرگان شیعه ترکیه به چنین اظهاراتی بوده است. این قضیه نشان می‌دهد که اساساً نظام لائیک ترکیه، هواداری جامعه شیعی از انقلاب اسلامی و هر گونه ارتباط با آن را بر نمی‌تابد (Nowrouzi and Abdkhodayi, 2012: 142).

۷-۵. ثبت مشاهیر فرهنگی و علمی ایران توسط ترکیه

از مسائلی که در در روابط فرهنگی ایران و ترکیه مطرح است موضوع ثبت مشاهیر فرهنگی ایران توسط ترکیه است. به نظر حمید احمدی تلاش‌های گسترده دولت ترکیه و نخبگان سیاسی و فرهنگی آن برای ترک خواندن برخی از برجستگان ادب پارسی، از عوامل تیرگی روابط ایران و ترکیه بوده است. ترکیه نه تنها مولوی را به دلیل وجود مقبره‌اش در ترکیه کنونی

ترک می‌خواند، بلکه دیگر مشاهیر علمی، تاریخی، ادبی، فلسفی و عرفان ایران را نیز در شمار مشاهیر ترک قلمداد می‌کند. این موضوع بخشی از استراتژی‌های فرهنگی و سیاسی هویت‌سازی دولت مدرن ترکیه بود (Ahmadi, 2012: 168). تورگای شافاک معتقد است ادعاها درباره تصاحب بزرگان فرهنگ اسلامی از موانع همکاری بین دو کشور است و باید از این نگاه ابتدایی عبور کرده و این بزرگان را برای بیشتر و بهتر شدن روابط بین کشورهای اسلامی به کار برد و بایستی بیشتر به میراث مشترک بین دو کشور پرداخته شود. در غیر این صورت از مولانا گرفته تا ابن‌سینا، از فارابی تا غذاهای سنتی همه و همه به‌جای اینکه موجب همکاری بین دو کشور باشد تبدیل به رقابت و واگرایی دو کشور می‌شود (safak, 2019).

به نظر می‌رسد اگرچه باید از ظرفیت مشاهیر فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک بین دو کشور برای تقریب و همگرایی فرهنگی میان دو کشور استفاده کرد اما اقدام‌های ترکیه در این مورد برای جامعه ایرانی حساسیت زاست و تمامیت‌خواهی در عرصه فرهنگی نتیجه‌ای جز واگرایی نخواهد داشت. جمهوری اسلامی ایران نیز باید ضمن استفاده از دیپلماسی فرهنگی فعال برای ثبت جهانی مشاهیر ایرانی، از علاقه مردم ترکیه در این زمینه برای نزدیکی میان دو کشور و همگرایی فرهنگی استفاده کند.

۸-۵. رقابت برای نفوذ نرم فرهنگی

ایران و ترکیه هر یک تلاش دارند تا قدرت نرم خود را از طریق نفوذ فرهنگی در مناطق مختلف پیگیری کنند. هر دو کشور مؤلفه‌های لازم مانند پیوندهای دینی، فرهنگی، زبانی، سابقه تمدنی را دارند. منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سه سطح فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی قابل شناسایی و محاسبه است. در سطح فرهنگ ایرانی زبان و ادبیات فارسی، رسوم و آیین‌هایی مانند جشن نوروز، هنرهایی مانند صنایع دستی، موسیقی و سینما و نیز آثار باستانی ایرانی به‌عنوان منابع فرهنگی مولد قدرت نرم هستند. زیرا هم در نظر مخاطبان خارجی در جوامع مختلف جاذبه‌های فراوانی دارند و هم نمایانگر هویت و پیشینه تاریخی ملت ایران و حامل پیام‌های فرهنگی آن هستند. در سطح فرهنگ اسلامی، منابع قدرت نرم ایران در بستر فرهنگ اسلامی شیعی قابل ردیابی هستند که در این میان، مواردی مانند نفوذ مرجعیت شیعه و

با فرهنگ شهادت و فرهنگ انتظار از قابلیت قدرت‌زایی بسیار زیادی برخوردارند و البته تنها در ارتباط با جوامع شیعه کاربرد دارند. در سطح ارزش‌ها و ایدئولوژی انقلاب اسلامی الگوی اسلام سیاسی با وجوه و مظاهر بدیع و گوناگون آن (مانند معنویت‌گرایی و ولایت فقیه) و نیز ارزش‌هایی چون استقلال و مقاومت و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان در سه دهه گذشته ظرفیت‌های عظیمی برای اعمال قدرت نرم‌افزاری در اختیار جمهوری اسلامی ایران گذاشته و به آن توانایی الگوسازی و الهام بخشی داده‌اند. الگوی اسلام سیاسی در جهان اسلام و دو ارزش یاد شده در میان تمامی ملت‌های ضد امپریالیست در سراسر جهان قابل ارائه هستند. در سطح سیاست خارجی هم سیاست‌هایی که در نظر مردم جهان جذابیت داشته باشند و نیز فعالیت‌های برون‌مرزی غیر سودمحور با انگیزه‌های اخلاقی و بشردوستانه و بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و اقتصادی می‌توانند در نقش منبع قدرت نرم عمل کرده و سبب ترفیع جایگاه کشور عامل در جامعه هدف شوند. راهبرد ضدیت با نظام سلطه در میان تمامی ملت‌های ضد امپریالیست در سراسر جهان راهبرد حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در منطقه خاورمیانه و اقدام‌های بشردوستانه در سراسر جهان قابل ارائه است (Saedi and Moghaddamfar, 2014: 123-124).

از اواسط دهه ۲۰۰۰، ترکیه گفتمان قدرت نرم را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد و توجهش به سمت ایجاد زیرساخت‌های قدرت نرم جلب شد و تا سال ۲۰۱۳، ترکیه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، یک بازیگر مهم در عرصه قدرت نرم، و چراغ دموکراسی و ثبات در یک منطقه ناپایدار مورد تحسین قرار گرفت (Cevik, 2019: 50). ترکیه با استفاده از ابزار دیپلماسی، هم در عرصه فرهنگی و هم اقتصادی، تلاش کرده است تا افکار عمومی منطقه و جهان را نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود مدیریت کند. رهبران حزب عدالت و توسعه با تأکید بر پیشینه تاریخی و تمدنی خود در دوره امپراتوری عثمانی و جایگاه جغرافیایی و زبانی خود در منطقه و جهان درصدد هستند تا از طریق دیپلماسی فرهنگی، نگاه مثبتی را در افکار عمومی منطقه و جهان نسبت به خود ایجاد کنند. تلاش برای الگو قرار گرفتن این کشور از سوی کشورهای منطقه، یکی از اهداف اصلی دیپلماسی فرهنگی ترکیه بوده است. ترکیه با برسازی

یک هویت متکثر چند وجهی و ساختن سازه‌ها و هنجارهای مشترک در سطح ملی و نهادینه کردن این ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در سطح فراملی از طریق ایجاد یک فضای بین‌الادّهانی، توانسته است تا تصویر مثبتی از خود در سطح منطقه و جهان ارائه دهد (Eqbal,2013:45).

البته سال‌های پیش‌رو از نظر پیش‌بینی اینکه هویت قدرت نرم در حال ظهور ترکیه تا چه اندازه دوام خواهد آورد چالش برانگیز است. دو دلیل اصلی برای این موضوع وجود دارد. اول، تهدیدهای امنیت ملی ترکیه ممکن است در سال‌های بعد افزایش یابد، که منجر به نیاز به اتکاء به قدرت سخت می‌شود. دوم، برای به دست آوردن مشروعیت، هویت قدرت نرم در حال ظهور باید در حل مشکلات امنیتی داخلی چند ساله ترکیه یعنی اسلام تندرو و جنبش‌های قومی تجزیه طلب کمک کند. با توجه به این مسئله، برخی از پیش‌شرط‌ها باید برآورده شوند تا ترکیه بتواند به عنوان قدرت نرم عمل کند. اول، سیاسی کردن مسائل امنیتی احتمالی در داخل کشور، که باید راه‌حل‌های ماندگار ارائه دهد. سیاسی کردن بدون دستاوردهای مشخص ممکن است دوباره راه را برای امنیتی شدن بیشتر فراهم کند. دوم، پویایی منطقه‌ای باید به ترکیه اجازه دهد که بتواند نرم عمل کند (Oğuzlu,2007:95). در این بخش نگاهی به دو حوزه اصلی رقابت ایران و ترکیه برای نفوذ فرهنگی در خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز خواهیم داشت.

۱-۸-۵. رقابت برای نفوذ نرم در خاورمیانه

ایران و ترکیه، به عنوان دو کشور با قدرت ملی بزرگ و برتر میان کشورهای اسلامی تلاش زیادی به کار می‌برند تا با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و مؤلفه‌های قدرت نرم، بیشتر و با هزینه کمتر به اهداف و منافع خود در منطقه خاورمیانه دست یابند. ایران تقریباً از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه پایان جنگ با عراق، تلاش بیشتری برای به کارگیری قدرت نرم و استفاده از دیپلماسی عمومی را در منطقه آغاز کرد. این روند با شدت و ضعف‌هایی در دو دهه اخیر ادامه یافت. تأکید ایران بر عراق، سوریه، لبنان و مسئله فلسطین بود. به این دلیل که دیپلماسی رسمی ایران هم بر این مناطق توجه ویژه داشت و متغیرهای قدرت سخت ایران هم

بر کشورهای محور مقاومت در برابر محور اسرائیلی - آمریکایی تمرکز داشت. برخلاف ایران، ترکیه بیشتر بر نقش میانجی و موازنه دهنده در سطح منطقه تأکید داشت. دگرگونی‌های جدید در منطقه خاورمیانه، موقعیت‌های نوین برای ترکیه و ایران مطرح کرد. هر دو کشور کوشیدند از سقوط صدام و روی کار آمدن دولت جدید در عراق به نفع خود بهره ببرند. کم و بیش ترکیه و ایران فرصت‌های بهتری در عراق جدید به دست آورده‌اند و کوشیدند از ابزارهای گوناگون و مؤلفه‌های مختلف برای دستیابی به اهداف خود بهره ببرند. بخش زیادی از آن، به عوامل قدرت نرم و بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی مربوط می‌شود. مواضع ایران و ترکیه در مورد تحولات سوریه و عراق کاملاً متفاوت بود. به گونه‌ای که ایران و ترکیه به صورت نیابتی درگیر دگرگونی‌های سوریه و درگیری‌های عراق شده‌اند. ترک‌ها از معارضان مسلح حمایت می‌کردند و در مقابل ایران از دولت‌های بغداد و دمشق پشتیبانی می‌کرد. بر این اساس، شدیدترین رقابت سخت و نرم ایران و ترکیه در خاورمیانه در سوریه و عراق دیده می‌شود. دو طرف به‌نوعی همه ابزارهای سخت و نرم قدرت دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی خود را در حمایت یکی از بازیگران درگیر و مخالفت با بازیگر مقابل به کار برده‌اند (Athari et al, 2014: 150-151).

۲-۸-۵. رقابت برای نفوذ فرهنگی در آسیای مرکزی و قفقاز

فروپاشی شوروی، فرصتی را برای بازیگران مختلف منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه ایجاد کرد تا برای گسترش نفوذ خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای تازه استقلال یافته تلاش کنند. میرفخرایی و فیروزمندی بندپی اشاره دارند که منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز با اکثریت جمعیت مسلمان در هر کدام از این کشورها به جز دو کشور ارمنستان و گرجستان برای فعالیت ایران در حوزه اسلام سیاسی ظرفیت بسیار خوبی دارد. از سویی، در ایران اقوامی ساکن هستند که با کشورهای منطقه نزدیکی زبانی و قومیتی بالایی دارند. ایران می‌تواند از این فرصت برای نفوذ بیشتر در منطقه استفاده کند. فرصت دیگر ایران نیز تمدن مشترک با کشورهای منطقه است. در طول تاریخ همواره منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جزئی از تمدن ایرانی بوده است تا زمانی که اتحاد شوروی در زمان قاجار این منطقه را

از ایران جدا کرد. منطقه خراسان بزرگ هنوز ویژگی‌های فرهنگی خود را حفظ کرده است. این تمدن مشترک سبب شده است که در زمینه آداب و رسوم و اعیاد نیز این کشورها با هم همگونی داشته باشند (Mirfakhrayi and Firouzmandi Bandpey, 2017:445).

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موجب شکل‌گیری پنج جمهوری ترک در آسیای مرکزی و قفقاز شد. ترکیه همواره با تکیه بر عامل زبان و فرهنگ ترکی به دنبال برقراری رابطه با آن کشورها بوده است. راه رسیدن به چهار جمهوری ترک در آسیای مرکزی، مسیر قفقاز است. سیاست خارجی جدید حزب عدالت و توسعه در تلاش است تا به کشورهای منطقه بفهماند که نفوذش نه بر اساس ادعاهای ترک‌گرایی بلکه بر اساس هویت و سرنوشت مشترک بنا شده است (Arjomand and Fallahi, 2015:2019) به نقل از (Marketos, 2009:104).

در خصوص رقابت در عرصه فرهنگ، فلاح معتقد است در بین بازیگران مختلف، دو کشور مسلمان ترکیه و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نماینده در نگاه تمدنی و اسلامی در تلاش بودند الگوی خود را در منطقه نهادینه کنند که به رقابت فرهنگی بین دو کشور انجامید. در زیرشاخه الگوی فرهنگی ترکیه، چند سیمای فرهنگی وجود دارد که از جمله آن‌ها سیمای تمدنی ترکیه در قالب اتحاد کشورهای ترک زبان و سیمای مذهبی و طریقتی ترکیه در قالب کشورهای سنی مذهب و طریقت‌های نقشبندیه و نوری است. ترکیه در سیمای تمدنی خود تلاش کرد با پیوند هویت قومی‌اش به ترک‌های باستانی آسیای مرکزی و قفقاز در چارچوب یا با الهام از چارچوب تئوری پان‌ترکیسم، شکلی از هویت‌سازی سیاسی ترکی را در منطقه تبلیغ و برای عملیاتی شدن آن تاکتیک‌های مختلفی اجرا کند. تبلیغ کشورهای هم‌سود ترکی، «اتحاد بزرگ دولت‌های ترک»، «جامعه بزرگ توران» یا تبلیغ و اقدام برای ایجاد وزارت کشورهای ترک، پول واحد ترکی، پارلمان کشورهای ترک زبان، آموزش و پرورش کشورهای ترک زبان و... همه مقاصدی است که اندیشمندانی مانند ضیاء گوک آلپ یا بدرالدین در نظریه‌های خود تئوریزه کردند. علاوه بر این، سیمای مذهبی و دینی ترکیه دست کمی از اقدامات سیمای تمدنی آن نداشته؛ ترکیه با استفاده از بسترهای مشترک مذهبی این منطقه تلاش کرد در سیمای مذهبی از طریق ایجاد حوزه‌های علمیه و دانشکده‌های الهیات به‌نوعی جریان‌های مذهبی را نیز

در منطقه مهندسی کند. هم‌چنین در قالب سیمای عثمانی‌گرایی نو اقداماتی انجام داد که طریقت نورچی به‌عنوان نماینده این سیما در این منطقه می‌تواند نقش ایفا کند. در سیمای عثمانی‌گرایی نو، تلفیقی از هویت جغرافیایی منطقه، هویت دینی و هویت زبانی با تبلیغ سیاست مدارا و همکاری سایر کشورها را در پوشش این سیما به مدار فعالیت فرهنگی ترکیه نزدیک کرده است. در مقابل ترکیه، الگوی کشور جمهوری اسلامی ایران قرار دارد که در این منطقه با سیمای تمدنی و اسلامی به فعالیت فرهنگی خود ادامه می‌دهد. در سیمای تمدنی ایران، این منطقه جزء جهاننداری فرهنگی ایران یا جغرافیای فرهنگی ایران محسوب می‌شود. وجود کشور فارسی زبان تاجیکستان، هم‌چنین نفوذ تاریخی گفتمان ادبی ایران در این منطقه فضایی را برای سرمایه‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. در این نگاه ایرانی، تمام کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در پوشش سیمای تمدنی ایرانی قابل تعریف و مستعد همکاری‌اند. در سیمای دینی و مذهبی الگوی فرهنگی ایران، مسأله تا حدودی متفاوت است. در کشورهای آسیای مرکزی با توجه به اکثریت سنی مذهب‌ها یا به عبارتی، در اقلیت محض بودن شیعه‌ها، جمهوری اسلامی ایران بستر فرهنگی مناسبی برای فعالیت ندارد. در قفقاز جنوبی تنها جمهوری آذربایجان کشوری شیعه مذهب است که آن هم در فضای پالایش دین اسلام در منطقه، جمهوری اسلامی ایران از طریق کانال‌های رسمی دولتی فضایی برای فعالیت دارد. به هر حال، الگوی فرهنگی ایران و ترکیه در این منطقه در مقابل هم قرار دارند. البته در برخی موارد نیز فضایی برای همکاری و تعامل با هم پوشانی این دو الگو وجود دارد. مبارزه با بنیادگرایی و ترویج اسلام با تقویت هویت مسلمانان در مقابل سایر ادیان نقطه مشترک دو کشور است (Fallah, 2008:80).

بالچی و لیلز در مورد قدرت نرم ترکیه در قفقاز جنوبی معتقدند، اگرچه با وجود روابط پرتنش با ارمنستان، قدرت نرم ترکیه در طول دو دهه اول استقلال پس از شوروی، به ویژه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی، در قفقاز جنوبی افزایش یافت، با این حال از سال ۲۰۱۳، موقعیت ترکیه به‌عنوان یک وزنه قدرت نرم، به دلیل افزایش درگیری ترکیه در بحران سوریه و تأثیرهای منفی این مسیر سیاست خارجی در سیاست داخلی ترکیه، به میزان

قابل توجهی کاهش یافته است. در حالی که روابط ترکیه و آذربایجان همچنان نزدیک است، بعید به نظر می‌رسد ترکیه قدرت نرمی را که قبلاً در منطقه از آن بهره می‌برد، دوباره داشته باشد (Balci and Liles, 2019:25).

۶. تدوین پرسشنامه

در این پژوهش، رصد و شناسایی متغیرهای فرهنگی مؤثر بر روابط ایران و ترکیه انجام شد و سرانجام ۱۳ متغیر شناسایی شد. متغیرهای بدست آمده در قالب پرسشنامه تنظیم شد. پرسشنامه در طیف لیکرت تهیه شده و به قضاوت خبرگان گذاشته شد. در پرسشنامه در مورد هر یک از متغیرها از خبرگان سؤال شد که آیا متغیر بر آینده روابط ایران و ترکیه اثرگذار است؟ اگر جواب مثبت است، میزان اهمیت آن چقدر است؟ میزان عدم قطعیت آن چقدر است؟

۶-۱. شیوه توزیع پرسشنامه

با توجه به شیوع ویروس کووید-۱۹ پرسشنامه به صورت آنلاین با استفاده از یکی از سامانه‌های ایرانی طراحی پرسشنامه، طراحی و ارسال شد. تکمیل پرسشنامه بصورت ناشناس انجام شد اما اقدامهای امنیتی لازم نیز توسط سامانه پرسشنامه نیز برای اینکه هر فرد فقط یکبار امکان پاسخ را داشته باشد مورد نظر قرار گرفت و انجام شد. پرسشنامه از تاریخ ۲۱ فروردین ۹۹ از طریق ایمیل و شبکه‌های اجتماعی برای خبرگان ارسال شد و دو هفته فرصت برای پاسخ‌دهی در نظر گرفته شد. در مجموع ۳۵ نفر خبره به پرسشنامه پاسخ دادند.

۶-۲. روایی و پایایی پرسشنامه

برای روایی پرسشنامه از ضریب CVR (لاوشه) استفاده شد. لاوشه حداقل میزان روایی با ۳۵ نفر خبره را ۰,۳۱ می‌داند (Lawshe, 1975:568). از مجموع ۱۳ گزاره، یک گزاره «ثبت مشاهیر فرهنگی و علمی ایران توسط ترکیه» رد شد که در تحلیل آماری متغیرها به آن‌ها اشاره خواهد شد. پایایی پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ محاسبه شد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه با محاسبه توسط نرم‌افزار SPSS، ۰,۹۶۰ به دست آمد که در حد عالی ارزیابی می‌شود. آلفای بالاتر از ۰,۷۰ مورد قبول است.

۳-۶. روش تحلیل نتایج پرسشنامه اهمیت و نبود قطعیت

برای تحلیل نتایج پرسشنامه، همان طور که در بخش روش اشاره شد، از روش آی پی ای یا روش تجزیه و تحلیل اهمیت-عملکرد استفاده شده است. در این پژوهش به جای آیتم عملکرد، نبود قطعیت جایگزین شده است که در روش خللی ایجاد نمی‌کند. همچنین در تحلیل نتایج پرسشنامه پژوهش حاضر نیز برای تجمیع آراء خبرگان در مورد اهمیت و نیز نبود قطعیت هر یک از متغیرها از میانگین هندسی نظرات ۳۵ نفر خبره در مورد آن متغیر استفاده شده است. سپس میانگین حسابی مجموع میانگین های هندسی اهمیت و نبود قطعیت متغیرها به عنوان ارزش آستانه اهمیت و نبود قطعیت مشخص شد.

۷. نتایج پرسشنامه

پس از جمع‌آوری و تجمیع آراء خبرگان، نتایج زیر در مورد متغیرهای فرهنگی مؤثر بر روابط ایران و ترکیه به دست آمد:

جدول (۱): متغیرهای فرهنگی مؤثر بر آینده‌ی روابط ایران و ترکیه

| متغیرهای فرهنگی | | | | Cultural | | |
|-----------------|-------|------------|-------------------------------|---|---------|------|
| نمود قطعیت | اهمیت | ضریب لاوشه | فراوانی پاسخ مثبت به اثرگذاری | گزاره | کدگزاره | ردیف |
| ۲,۳۹ | ۲,۹۰ | ۰,۸۲ | ۹۱,۲ | پیوندهای قومی ایران و ترکیه | C1 | ۱ |
| ۲,۴۴ | ۲,۵۸ | ۰,۳۷ | ۶۸,۶ | پیوندهای قومی ایران و ترکیه | C2 | ۲ |
| ۲,۰۷ | ۲,۵۱ | ۰,۶۰ | ۸۰ | پیوندهای تاریخی-فرهنگی در زبان فارسی (علاقه مردم ترکیه و تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های ترکیه) | C3 | ۳ |
| ۲,۱۲ | ۲,۸۰ | ۰,۶۵ | ۸۲,۹ | پیوندهای دینی: مسلمان بودن دو کشور و اسلام به‌عنوان دین مشترک | C4 | ۴ |
| ۱,۹۱ | ۲,۳۵ | ۰,۵۴ | ۷۷,۱ | اختلاف‌های مذهبی ایران و ترکیه (شیعه-سنی) | C5 | ۵ |
| ۲,۰۷ | ۲,۴۷ | ۰,۴۲ | ۷۱,۴ | آداب و رسوم مشترک فرهنگی (عروسی، عزا، فرهنگ غذایی، موسیقی و هنر و....) | C6 | ۶ |

| | | | | | | |
|------|------|------|------|--|-----|----|
| ۱,۸۸ | ۲,۶۲ | ۰,۶۰ | ۸۰ | ارتباطات و مبادلات فرهنگی (برگزاری هفته های فیلم و موسیقی و کتاب) | C7 | ۷ |
| ۲,۳۶ | ۲,۹۶ | ۰,۷۷ | ۸۸,۶ | پان ترکیسم و احتمال حمایت ترکیه از جریان های تجزیه طلب پان ترک در داخل ایران | C8 | ۸ |
| ۲,۴۱ | ۲,۶۲ | ۰,۶۵ | ۸۲,۹ | ارتباط میان ایران و علویان ترکیه | C9 | ۹ |
| ۲,۰۲ | ۲,۱۱ | ۰,۳۱ | ۶۵,۷ | ثبت مشاهیر فرهنگی و علمی ایران توسط ترکیه | C10 | ۱۰ |
| ۲,۳۹ | ۳,۰۰ | ۰,۷۱ | ۸۵,۷ | رقابت برای نفوذ نرم در غرب آسیا | C11 | ۱۱ |
| ۲,۳۸ | ۲,۹۳ | ۰,۶۴ | ۸۲,۴ | رقابت برای نفوذ نرم در آسیای مرکزی و قفقاز | C12 | ۱۲ |
| ۲,۳۳ | ۲,۷۴ | ۰,۷۱ | ۸۵,۷ | ارتباط ایران با شیعیان و حامیان انقلاب اسلامی ایران در ترکیه | C13 | ۱۳ |
| ۲,۲۲ | ۲,۷۰ | | | ارزش آستانه | | |

همان طور که در جدول قابل دیدن است، غیر از ثبت مشاهیر ایرانی توسط ترکیه که از نظر روایی در پایین ترین وضعیت ممکن بود و حذف شد، اثرگذاری دیگر متغیرها بر روابط ایران و ترکیه تأیید شد. بنابراین دوازده متغیر، به عنوان عوامل مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه تأیید شدند. با حذف این گزاره ارزش آستانه اهمیت ۲,۷۰ و نبود قطعیت ۲,۲۲ شد. بنابراین عواملی که اهمیت و نبود قطعیت آنها بالاتر از این اعداد باشند عوامل مهم فرهنگی مؤثر بر روابط ایران و ترکیه خواهند بود. این عوامل عبارت اند از:

۱. پیوندهای قومی ایران و ترکیه با اهمیت ۲,۹۰ و عدم قطعیت ۲,۳۹
۲. پان ترکیسم و احتمال حمایت ترکیه از جریان های تجزیه طلب پان ترکی در داخل ایران با اهمیت ۲,۹۶ و نبود قطعیت ۲,۳۶
۳. رقابت برای نفوذ نرم در غرب آسیا با اهمیت ۳ و عدم قطعیت ۲,۳۹
۴. رقابت برای نفوذ نرم در آسیای مرکزی و قفقاز با اهمیت ۲,۹۳ و عدم قطعیت ۲,۳۸
۵. ارتباط ایران با شیعیان و حامیان انقلاب اسلامی ایران در ترکیه با اهمیت ۲,۷۴ و نبود قطعیت ۲,۳۳

۸. نتیجه گیری

در این نوشتار با تمرکز بر عوامل فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه، ۱۳ عامل فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه در افق ده سال آینده بررسی شد. سپس این عوامل در پرسشنامه‌ای از ۳۵ نفر از خبرگان روابط ایران و ترکیه مورد سوال قرار گرفت. غیر از متغیر ثبت مشاهیر فرهنگی ایران توسط ترکیه، روایی دیگر متغیرها تأیید شد و به‌عنوان عوامل فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه توسط خبرگان تأیید شدند. پنج عامل پیوندهای قومی میان ایران و ترکیه، پان‌ترکیسم و احتمال حمایت ترکیه از جریان‌های پان‌ترکی در ایران، رقابت برای نفوذ نرم در غرب آسیا و نیز رقابت برای نفوذ نرم در آسیای مرکزی و قفقاز و هم‌چنین ارتباط ایران با شیعیان و حامیان انقلاب اسلامی در ترکیه به‌عنوان عوامل مهم فرهنگی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه مشخص شد.

نتایج پژوهش نشان داد که رقابت برای نفوذ نرم در غرب آسیا بیشترین اهمیت را در میان عوامل فرهنگی مؤثر بر روابط ایران و ترکیه دارد. نکته قابل توجه این که عرصه فرهنگ و روابط فرهنگی از عوامل سیاسی مؤثر است و با افت و خیز در روابط سیاسی، معمولاً تبدلات فرهنگی میان دو کشور نیز با افت و خیز روبه‌رو می‌شود. با وجود این که عوامل فرهنگی مؤثر بر روابط دو کشور ظرفیت سیاسی شدن را دارند، اما با توجه به نزدیکی‌های زیاد فرهنگی میان دو کشور، عرصه فرهنگ می‌تواند تسهیل‌گر روابط میان مردم و دولت‌های دو کشور شود و موجب نزدیکی و همگرایی شود.

References

1. Ahmadi, Hamid (2014). Cultural Relations between the Islamic Republic of Iran and its Neighbors: A case study of Turkey. Tehran: Institute of Islamic Culture, Art and Communication. **[In Persian]**
2. Alternatives: Global, Local, Political, 44(1). 50-71.
3. Arjomand, Mohammad Ja'afar; Fallahi, Ehsan (2015). The Comparative Examination of Iran and Turkey's Foreign Policy in South Caucasus with Emphasis on Azerbaijan and Armenia. Central Eurasia Studies, 8(2), Summer and Autumn, 211-228. **[In Persian]**
4. Athari, Seyyed Assadollah; Enayati Shabkalai, Ali; Hosseini, Seyyed Mohammad Amin (2014). A Comparative Study of the Soft Power of Iran and Turkey in Iraq and Syria. Bi-Quarterly Journal of Islam and Social Sciences, 6 (11), 149-167. **[In Persian]**
5. Balci, Bayram; Liles, Thomas (2019). What Remains from Turkish Soft Power in the Caucasus?. Turkish Policy Quarterly. Spring. 18(1). 25-44.
6. Bell, Wendell (2013). Foundations of Futures Studies. Translated by M. Taghavi, M. Mohaghegh, Tehran: Defense Industries Educational and Research Institute, Center for Defense Sciences and Technologies Futures Studies. **[In Persian]**
7. Cevik, Senem B (2019). Reassessing Turkey's Soft Power: The Rules of Attraction.
8. Charounatki, Mariana (2018). Iran and Turkey International and Regional Engagement in the Middle East. New York: I.B. Tauris & Co. Ltd.
9. Egbal, Ismail (2014). Analysis of Turkish Soft Power Components (2002-2012). Bi-Quarterly Journal of Soft Power Studies, 4 (11), 29-48. **[In Persian]**
10. Fallah, Rahmatollah (2008). The Confrontation of Turkey's Cultural Model with Iran in Central Asia and the Caucasus. Strategic Studies of the Islamic World, No. 33, 62-81. **[In Persian]**
11. Fateh Rad, Mehdi; Jalilvand, Mohammad Reza; Molaie, Mohammad Mehdi; Samiei, Saeed; Nasrollahi Vosti, Leila (2013). Methodological Characteristics of the Transdisciplinary Field of Futures Studies as a One-Piece Meta-Paradigm. Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities, Volume 6 (1), 135-161. **[In Persian]**
12. Hajiani, Ebrahim (2012). Foundations, Principles and Methods of Futures Studies. Tehran: Imam Sadegh (AS) University Press. **[In Persian]**
13. Koolae, Elaheh; Hariri, Rahman; Asadi Kia, Behnaz (2015). The Kurdish issue in Iran-Turkey relations. Geopolitics Quarterly, 12(3), 1-27. **[In Persian]**
14. Lawshe, C (1975). A Quantitative Approach to Content Validity. Personnel Psychology, (28). 563-575.

15. Maghsoudi, Ali Asghar (2019). Opportunities and Challenges of Deepening the Islamic Republic of Iran influence in the Alawites of Turkey; Master Thesis in Military Geography, under the supervision of Dr Gholizadeh. Tehran: Imam Hossein(AS) Comprehensive University. **[In Persian]**
16. Marketos, Thrassy.N (2009). Turkey in the Eurasian Energy Security Melting pot, China and Eurasia forum Quarterly, 7, (4), 95-113.
17. Martilla, John A; James, John C (1977). Importance-Performance Analysis. Journal of Marketing .Vol. 41(No. 1) .pp. 77-79.
18. Mirfakhrayi, Seyyed Hasan; Firouzmandi Bandpey, Majid (2017). Iran's Cultural Diplomacy in Central Asia and South Caucasus: Challenges and Opportunities. Central Eurasia Studies, 10(2), Summer and Autumn, 433-448. **[In Persian]**
19. Nowruzi, Rasool; Abdkhodaei, Mojtaba (2012). The Islamic Revolution and the Civilizational identification in Turkey. Studies of the Islamic Revolution, No. 30, 135-154. **[In Persian]**
20. Oğuzlu, Tarik (2007). Soft power in Turkish foreign policy. Australian Journal of International Affairs .Vol.61(No.1). 81-97.
21. Ors, Derya (2006). The Role of Persian Language in Turkey-Iran Relations and the Future of Persian language and literature in Turkey. Sokhan-e-Eshgh Magazine (No. 31), 79-85. **[In Persian]**
22. Sadr Mohammadi, Massoud (2019). Cultural Factors Affecting Iran-Turkey Relations. (Interview)
23. Saeedi, Ruholamin; Moghaddam Far, Hamid Reza (2014). Sources of Soft Power of the Islamic Republic of Iran. Bi-Quarterly Journal of Soft Power Studies, 4 (4 11), 107-126. **[In Persian]**
24. Şafak, Turgay (2019). Cultural Factors Affecting Iran-Turkey Relations. (Interview)
25. Turgut, Kadir (2011). Türkiye'de Fars Dili ve Edebiyatı Alanında Yapılan Çalışmalar Bibliyografyası Denemesi: İstanbul Üniversitesi Şarkiyat Mecmuası(18). 75-122.
26. Website of Iran's Cultural Counseling in Ankara (2019). History of Cultural Relations between Iran and Turkey. Available at <http://Ankara.icro.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=147&pageid=8293>. **[In Persian]**